

اروپا شریک جنگ قربانی بحران

صفحه ۲



این قهرمانی نتیجه تلاش مدیران مریبان و جوانان غیور است

صفحه ۲

تیتراهای امروز



گزارش «وطن امروز» از نقطه ضعف مالی آمریکا در سناریوی انسداد تنگه هرمز و تفاوت ساختار بدهی آمریکا و اروپا در بحران انرژی

آتلانتیک اسیر هرمز

صفحه ۴

وحشت کاخ سفید از انفجار قیمت گازوئیل و نارضایتی عمومی، اجرای بسته تحریمی تازه علیه روسیه را به محاق برد

عقب‌نشینی با باک خالی

صفحه ۴

گرانی سوخت، تورم انرژی، بحران مدارس و خشونت پلیس، اعتراضات علیه الیزه راه بحرانی چندلایه تبدیل کرده است

آتش ترامپ برای مکرون

صفحه ۳

جنگ نیابتی در شاخ آفریقا

نگاه

علی محمودی

سومالی، کشوری است در شاخ آفریقا که از زمان فروپاشی دولت مرکزی در سال ۱۹۹۱ تاکنون، با بی‌ثباتی و جنگ داخلی دست و پنجه نرم کرده و این روزها با بحرانی تازه روبه‌رو است. دوره ریاست‌جمهوری حسن شیخ محمود قرار بود مه ۲۰۲۶ پایان یابد اما پارلمان ماه مارس با اصلاح قانون اساسی آن را به ۵ سال افزایش داد و رئیس‌جمهور را تا مه ۲۰۲۷ در قدرت نگه داشت. ائتلاف مخالفان، شامل رهبران ایالت‌های پاتلند و جوبالندو عبدالعزیز لغتافزین، رئیس‌جمهور پیشین ایالت جنوب غرب، این تغییر را نپذیرفته و اخیراً برنامه یکجانبه کمیسیون انتخابات برای برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری در آوریل و مه ۲۰۲۷ را هم رد کرده است. در این حین، نزاع سیاسی به درگیری مسلحانه کشیده شده است. بنا بر گزارش‌ها، در نبردهای هفته اخیر در اطراف بیدوا در ایالت جنوب غرب، هزاران جنگجو از ۲ سو شرکت داشته‌اند و پهباد و جنگنده هم به کار رفته است. در همین حال، دولت فدرال و متحدانش، بیشتر شهرهای بزرگ جنوب و مرکز را در دست دارند، جوبالندو با موگادیشو اختلاف دارد، الشیاب، گروه وابسته به القاعده، بر بخش بزرگی از مناطق روستایی مسلط است و شمال میان پاتلند، سومالی‌لندو و ایالت‌های تالسیس شمال شرق تقسیم شده است. مقاله پیش‌رو از اندیشه‌دذئی نفوذ چشم‌هاوس لندن، نقشه این بحران را ترسیم می‌کند: هر یک از طرف‌ها چه کسانی‌اند، کج‌ا را در کنترل دارند و این کشور به کدامین سو می‌رود؟

■ **مخاطرات بزرگ در عین جنگ منطقه‌ای**
این نخستین‌بار نیست اختلاف بر سر قانون اساسی در سومالی به درگیری مسلحانه می‌انجامد؛ سال ۲۰۲۱ هم درگیری مشابهی رخ داد اما این بار پیامدهای می‌تواند سنگین‌تر باشد، چون توازن قدرت در نظام فدرال در خطر است. مخالفان دولت فدرال کنونی به ریاست حسن شیخ محمود را متهم می‌کنند می‌خواهد قدرت را در موگادیشو متمرکز کند و به بهای تضعیف ایالت‌ها، اختیارات بیشتری به دست آورد. درگیری سومالی در منطقه‌ای جریان دارد که تدریجاً به کانون رقابت فزاینده قدرت‌های خارجی و شبکه‌ای پیچیده از ائتلاف‌ها بدل شده است. بر این اساس ۵ بلوک کلی و سیال شکل گرفته؛ مصر، سعودی و ترکیه عموماً همسو با نیروهای مسلح سودان و اریتره هستند، در حالی که امارات عربی متحده و رژیم صهیونی را عموماً همسو با اتیوپی می‌دانند.

ادامه در صفحه ۲

مکرون در حالی اعتراضات و آشوب‌های خیابانی فرانسه را نتیجه تحولات اخیر خلیج فارس دانسته که این کشور در ۴ دهه گذشته یکی از متحدان آمریکا در اعمال فشار اقتصادی علیه ایران بوده است

بومرنگ تحریم

صفحه ۲



عکس: Anadolu

گزارش «وطن امروز» از نقطه ضعف مالی آمریکا در سناریوی انسداد تنگه هرمز و تفاوت ساختار بدهی آمریکا و اروپا در بحران انرژی

آتلانتیک اسیر هرمز

داشتن اهرم تنگه هرمز، نه فقط بر بازار انرژی جهان تأثیر می‌گذارد، بلکه به قلب آسیب‌پذیرترین نقطه اقتصاد آمریکا یعنی ساختار بدهی و بازار اوراق خزانه ضربه می‌زند. در واقع، قدرت بازدارندگی ایران فراتر از توانایی نظامی صرف است. این قدرت در توانایی ایجاد شوک سیستماتیک در نظام مالی بین‌المللی نهفته است که به طور نامتقارن، ایالات متحده را بیش از متحدانش هدف قرار می‌دهد. بسته شدن تنگه هرمز، نفت را به سلاحی تبدیل می‌کند که گلوله آن به سمت بدهی‌های کوتامدت آمریکا شلیک می‌شود. دولت آمریکا در چنین سناریویی با یک دوراهی سخت مواجه می‌شود: یا باید اجازه دهد تورم افسارگسیخته شود و اعتبار پولی خود را از دست بدهد یا باید نرخ بهره را افزایش دهد و هزینه‌های مالی خود را به سقف بی‌سابقه‌ای برساند که در نهایت به بن‌بست بودجه‌ای و افزایش شکاف طبقاتی منجر می‌شود. این همان نقطه‌ای است که قدرت جمهوری اسلامی ایران در آن معنا پیدا می‌کند؛ نه به عنوان یک تهدید صرفاً منطقه‌ای، بلکه به عنوان یک بازیگر کلیدی که می‌تواند با مدیریت هوشمندانه این اهرم، معادلات قدرت را در سطح جهان تغییر دهد.

■ جمع‌بندی راهبردی

داده‌های پروفایل سررسید بدهی به‌وضوح نشان می‌دهد برخلاف تصور رایج، اقتصاد آمریکا در مواجهه با شوک ناشی از بسته شدن تنگه هرمز، به مراتب شکننده‌تر از اقتصادهای اروپاست. سهم بالای اوراق کوتامدت در سبد بدهی آمریکا یعنی ۳۴٫۶ درصد، آن کشور را در معرض ریسک نرخ بهره فوری قرار می‌دهد که در صورت جهش قیمت نفت، به‌سرعت به بحران بدهی و کسری بودجه تبدیل می‌شود. در مقابل، بریتانیا و فرانسه با ساختار بدهی بلندمدت‌تر، در برابر این شوک مقاوم‌ترند. این تحلیل نشان می‌دهد قدرت راهبردی ایران در بستن تنگه هرمز، فراتر از تأثیرگذاری بر قیمت نفت است. این قدرت از طریق کانال بازارهای مالی، مستقیماً بر هزینه‌های استقرار و پایداری مالی آمریکا و متحدانش تأثیر می‌گذارد. در حقیقت، تنگه هرمز نه فقط یک آبراه، بلکه یک دکمه اضطراری است که فشار بر آن، به طور مستقیم بر نبض بازار اوراق خزانه آمریکا وارد می‌شود.

همبستگی بین قیمت نفت و بازدهی اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری آمریکا به ۶۵ درصد رسیده است. با افزایش بازدهی، قیمت اوراق کاهش می‌یابد و این یعنی کاهش ارزش دارایی‌های مالی دارندگان اوراق. مشکل اصلی برای دولت آمریکا اما افزایش هزینه استقراض مجدد است. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران بین‌المللی که بخش قابل توجهی از بدهی آمریکا را در اختیار دارند، با مشاهده افزایش ریسک تئوری و بی‌ثباتی، ممکن است از خرید اوراق جدید امتناع کنند یا خواستار بازدهی بالاتری شوند. این موضوع، تأمین مالی کسری بودجه عظیم آمریکا را با چالش جدی مواجه می‌کند. در مقابل، بریتانیا و فرانسه به دلیل وابستگی کمتر به استقراض کوتامدت برای تأمین مالی جاری، می‌توانند این دوره بحرانی را با استرس کمتری سپری کنند، هرچند آنها نیز از تورم و کندی رشد در امان نخواهند بود.

بخش چهارم: قدرت راهبردی ایران و اهرم تنگه

این تحلیل اقتصادی، قدرت ژئوپلیتیک ایران را در چارچوبی واقع‌بینانه‌تر تبیین می‌کند. ایران با در اختیار

۳۴٫۶ درصدی بدهی زیر یک سال، آمریکا در معرض شوک بازپرداخت فوری قرار دارد. فرانسه و آلمان نیز اگرچه به اندازه بریتانیا بدهی بلندمدت ندارند اما سهم اوراق زیر یک سال آنها به ترتیب ۹۶ و ۱۹٫۶ درصد است که بسیار کمتر از آمریکاست. این تفاوت ساختاری باعث می‌شود آمریکا در سناریوی بسته شدن تنگه، هم‌زمان با ۲ شوک مواجه شود: نخست، شوک تورمی ناشی از گرانی انرژی که هزینه‌های مصرف‌کننده و تولیدکننده را بالا می‌برد و دوم، شوک مالی ناشی از افزایش نرخ بهره که هزینه بازپرداخت بدهی‌های کوتامدت را منفجر می‌کند. در حقیقت، بازار اوراق خزانه آمریکا به یک حلقه بازخورد تبدیل می‌شود که نفت گران‌تر، بهره بالاتر و بدهی سنگین‌تر را به دنبال دارد.

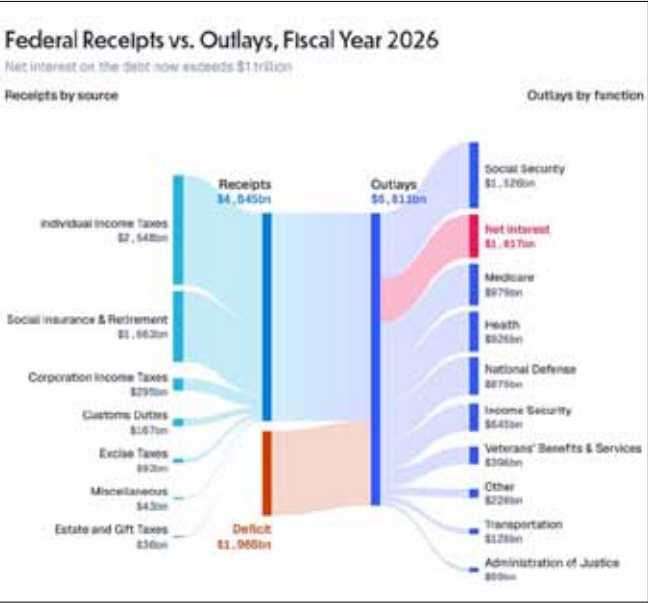
اگر امروز نرخ بهره افزایش یابد، بریتانیا تنها بخش کوچکی از بدهی خود را باید با نرخ جدید بازپرداخت کند و مابقی بدهی همچنان با نرخ‌های پایین گذشته در ترازنامه باقی می‌ماند اما آمریکا این سپر را ندارد. با سهم

بهره سیاستی می‌شود. در این لحظه، دولت آمریکا باید بسیار بالاتر بازپرداخت کند. گزارش‌ها حاکی از آن است در سال مالی ۲۰۲۶، هزینه‌های خالص بهره بدهی فدرال به بیش از یک تریلیون دلار رسیده و پرداخت‌های خالص بهره با رشد ۸ درصدی از کل هزینه‌های دولت پیشی گرفته است. این بدان معناست که هر دلار افزایش در قیمت نفت، مستقیماً به افزایش هزینه‌های تأمین مالی دولت آمریکا ترجمه می‌شود.

بخش دوم: چرا آمریکا انبساط به اروپا آسیب‌پذیر تر است؟ پاسخ در مدت زمان سررسید بدهی نهفته است. بریتانیا با میانگین سررسید ۱۴ سال و سهم بالای اوراق ۲۰ ساله و بیشتر، از یک سپر محافظتی در برابر شوک‌های نرخ بهره برخوردار است.

تجزیه و تحلیل اوراق خزانه‌داری آمریکا را می‌گیرد. این گزارش راهبردی با تکیه بر نمودار توزیع سررسید بدهی نشان می‌دهد چگونه ساختار مالی آمریکا، آن کشور را به حاشیه‌نشین آسیب‌پذیرتری نسبت به متحدان اروپایی‌اش در مواجهه با بحران انرژی تبدیل کرده و چگونه قدرت ژئوگئوپلیتیک ایران می‌تواند از طریق کانال بازارهای مالی، فشار حداکثری را بر واشنگتن اعمال کند.

بخش اول: کالبدشکافی ساختار بدهی و ریسک تأمین مالی مجدد
تحلیل داده‌ها حاکی از آن است ساختار بدهی آمریکا به‌شدت کوتامدت و شکننده است. بر اساس نمودار یک، ۳۴٫۶ درصد کل بدهی دولت آمریکا در بازه کمتر از یک سال سررسید می‌شود. این در حالی است که این رقم برای بریتانیا ۶٫۸، برای فرانسه ۹٫۶ و برای آلمان ۱۹٫۶ درصد است. به عبارت دیگر، سهم اوراق کوتامدت بازار پول در سبد بدهی آمریکا ۵ برابر بریتانیا، ۴ برابر فرانسه و نزدیک به ۲ برابر آلمان است. این ساختار بدان معناست دولت آمریکا برای تأمین مالی مجدد بخش عظیمی از بدهی خود، به طور مداوم و سالانه به بازارهای مالی وابسته است. در شرایط عادی و نرخ‌های بهره پایین، این استراتژی هزینه‌ای کم دارد اما زمانی که تنگه هرمز بسته شود و قیمت نفت به واسطه اختلال در ۲۰ درصد عرضه جهانی جهش کند، انتظارات تورمی به‌سرعت بالا می‌رود. فدرال رزرو برای مهار تورم، ناچار به افزایش نرخ



نمودار یک